

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حدیث ثقلین
حدیث ثقلین

بین عمر فاروق (اهل سنت عمر) و سیدعباس

عمر فاروق:

سلام علیکم و رحمۃ الله

برادران مسلمان و موحدم

باهم نگاهی به این حدیث شریف بیندازیم :

قال رسول - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - اني تارك فيكم ما ان تمسكتم به لن تضلوا بعدى؛ احدهما اعظم من الاخر

ما

كتاب الله حبلٌ ممدود من السماء الى الارض، و عترتي اهل بيتي، و من يفترقا حتى يردا على الحوض،

فانظروا

كيف تخلفوني فيهما (همان، ترمذی ۳۷۸۸)

و این حدیث در منابع شیعی هم آمده :

قال رسول الله ص : إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ

الْحَوْضَ

وسائل الشيعه ج ۲۷ ص ۳۳

پیامبر عزیزمان در این حدیث شریف به ما امر میکنند که بعد از ایشان اولاً به کتاب

خدا و ثانیاً به عترت یعنی اهل بیت پیامبر تمسک بجوییم

حال سوالی که از شیعیان دارم این است که :

شما که این حدیث را قبول دارید تا جایی که حتی آن را متواتر لفظی میدانید

پس چرا به این حدیث شریف عمل نمیکنید؟

چرا به حضرت عایشه ام المومنین که از اهل بیت پیامبر است تمسک نمیکنید؟

تمسک بخوره تو سرتون چرا به ایشان توهین میکنید؟

و همه میدانیم که حضرت عایشه بدون شک و تردید جزء اهل بیت پیامبر

محسوب میشوند

ولی ممکن است شیعیان بگویند که ما حضرت عایشه را جزء اهل بیت پیامبر

نمیدانیم، ولی ما در جواب آنها میگوییم :

شما نه تنها به اهل بیت پیامبر تمسک نمیکنید بلکه از ثقل اکبر یعنی قران هم

پیروی نمیکنید، چرا که قران کلمه اهل بیت را صراحتاً برای زن حضرت

ابراهیم به کار میبرد انجا که میفرماید :

قَالُوا أ تَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

فرشتگان خدا در این ایه خطاب به زن حضرت ابراهیم(ساره) میگویند :
ایا از امر خدا تعجب میکنی؟ بی گمان رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت پیامبر
باد که به راستی او حمید و مجید است
اگر قرار باشد که در حدیث ثقلین و یا ایه تطهیر همسر پیامبر جزء اهل بیت پیامبر
نباشد پس در این ایه نیز نباید زن حضرت ابراهیم جزء اهل بیت حضرت ابراهیم باشد
فکیف یحکمون؟؟

و مهمتر از حدیث ثقلین ایه ۲۳ سوره شوری میباشد انجا که میفرماید :

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ

در این ایه پیامبر اکرم در مقابل اجر رسالتش از ما در خواستی میکند که
نسبت به نزدیکان ایشان محبت و مودت داشته باشیم .

باز هم از شیعیان سوال میکنیم که ایا حضرت ام المومنین عایشه جزء

نزدیکان پیامبر هستند یا خیر؟

اگر ایشان جزء نزدیکان پیامبر هستند پس چرا به در خواست پیامبر لبیک

نمی گویند و به ایشان ابراز محبت و مودت نمیکنید؟

ابراز محبت بخور تو سرتون چرا به ایشان در مجالس و محافل شیطانی خود

لعن و توهین میکنید؟(أعوذ بالله من هذا)

و اگر قبول ندارید که ایشان جزء نزدیکان پیامبر هستند، میگوییم چطور ممکن

است داماد و نوادگان پیامبر جزء نزدیکان پیامبر هستند ولی ام المومنین عایشه

همسر پیامبر جزء نزدیکان پیامبر نمیباشد؟

فکیف یحکمون؟؟

خدا را هزاران مرتبه شکر که ما اهل سنت به هیچکدام از نزدیکان پیامبر عزیزمان

نه تنها توهین نمیکنیم بلکه حاضریم جانمان را نیز برای آنها فدا کنیم .

ولی اعمال شما شیعیان کاملا مخالف قران و تنها درخواست پیامبر در قبال اجر

رسالتش و همینطور حدیث ثقلین میباشد و کسی که با قران و پیامبر مخالفت کند

حتما میدانید که حکمش چیست؟

و الله لا یهدی القوم الکافرین

سید عباس:

چرا وهابیت به کلام مادرمان عایشه عمل نمی کنند ایا این توهین به مادرمان عایشه نیست؟

هیچ آیه ای در حق خاندان عائشه نازل نشده است :

بخاری در صحیح خود به نقل از عائشه می‌نویسد که وی تصریح کرده است که هیچ آیه‌ای در قرآن کریم در باره خاندان وی نازل نشده است :

حدثنا موسى بن إسماعيل حدثنا أبو عوانة عن أبي بشر عن يوسف بن ماهك قال كان مروان على الحجاز استعمله معاوية فخطب فجعل يذكر يزيد بن معاوية لكي يبايع له بعد أبيه فقال له عبد الرحمن بن أبي بكر شيئا فقال خذوه فدخل بيت عائشة فلم يقدروا فقال مروان إن هذا الذي أنزل الله فيه «والذي قال لوالديه أف لكما أتعدانني» فقالت عائشة من وراء الحجاب ما أنزل الله فينا شيئا من القرآن إلا أن الله أنزل عذري .

از یوسف بن ماهک نقل شده است که معاویه بن ابی سفیان، مروان را به حکومت حجاز منصوب کرده بود، مروان خطبه خواند و در آن از یزید بن معاویه نام برد تا برای حکومت بعد از پدرش از مردم بیعت بگیرد عبد الرحمن بن ابی بکر چیزی گفت، مروان گفت: او را بگیرید. عبد الرحمن وارد خانه عائشه شد و آنها نتوانستند او را دستگیر کنند. مروان گفت: او کسی است که خداوند این آیه را در باره او نازل کرده است: «و آن کس که به پدر و مادر خود گوید: «اف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که زنده خواهم شد...» .

عائشه از پشت پرده گفت: هیچ چیزی از قرآن در باره ما خاندان نازل شده است؛ مگر این که خداوند [آیه] عذر مرا نازل کرده است (اشاره به آیه افک).

صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۸۲۷، ح ۴۵۵۰، کتاب التفسیر، باب «والذي قال لوالديه أف لكما...»، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ .

آیه مودت در شان چه کسانی نازل شده است :

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى . (شوری/۲۳)

این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان ابن عباس قال: لَمَا نَزَلَتْ: «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» قالوا: يا رسول الله، مَنْ قَرَأَتْكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قال: عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ وَأَبْنَاهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

از ابن عباس نقل شده است که گفت: هنگامی که آیه «قل لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة في القربى» نازل شد گفتند یا رسول الله آن نزدیکان تو که دوستی آنان بر ما واجب شده است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندانشان

ينابيع المودة قندوزی الحنفی ص ۱۰۶، ۱۹۴، ۲۶۱ چاپ اسلامبول و ص ۱۲۳، ۲۲۹، ۳۱۱ چاپ الحیدریه و ج ۱ ص ۱۰۵ و ج ۲ ص ۱۹، ۸۵ چاپ العرفان صیدا

شواهد التنزیل، حاکم حسکانی الحنفی ج ۲ ص ۱۳۰ حدیث ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴

مناقب علی بن ابی طالب، ابن مغزلی الشافعی ص ۳۰۷ حدیث ۳۵۲

ذخائر العقبي، في مناقب ذوى القربى محى الدين طبرى الشافعى ص ٢٥ و ١٣٨
الصواعق المحرقة ابن حجر شافعى ص ١٠، ١٣٥، ١٣٦ چاپ الميمنه مصر، چاپ المحمديه مصر ص ١٦٨ و
٢٢٥

مطالب السوول ابن طلحه الشافعى ص ٩١، ٩٣، ٣١٣ چاپ الحيدريه و ص ٣١، ٣٢، ١٧٥، ١٧٨ و چاپ
العزى

الفصول المهمه ابن باغ المالكى ص ١١

مقتل الحسين الخوارزمى الحنفى ج ١ ص ٥٧

تفسير طبرى ج ٢٥ ص ٢٥ چاپ دوم

مصطفى الحلبى مصر و جلد ٢٥ ص ١٤، ١٥ چاپ الميمنه مصر

المستدرک حاکم ج ٣ ص ١٧٢

الازحاف شبراوى الشافعى ص ٥ و ١٣

الحياء الميت سيوطى شافعى ص ١١٠

نظم درر المسلمين زرندى الحنفى ص ٢٤

نور الابصار شبلنجى ص ١٠٢ چاپ السعيديه ص ١٠٦ چاپ العثمانيه مصر

تلخيص المستدرک ذهبى ج ٣ ص ١٧٢

تفسير الكشاف زمخشري ج ٢ ص ٤٠٢ چاپ مصطفى محمد و ج ٤ ص ٢٢٠ چاپ بيروت

تفسير الفخر رازى ج ٢٧ ص ١٦٦ چاپ عبدالرحمن محمد، مصر و جلد ٥ ص ٥٣

تفسير ابن كثير ج ٤ ص ١١٢

مجمع الزوائد ج ٧ ص ١٠٣ و جلد ٩ ص ١٦٨

فتح البيان فى مقاصد القرآن صديق حسن خان جلد ٨ ص ٣٧٢

تفسير القرطبى ج ١٦ ص ٢٢

فتح القدير سوكانى ج ٤ ص ٥٣٧ چاپ دهم و ج ٤ ص ٢٢ چاپ يكم مصر

تفسير النبى ج ٤ ص ١٠٥

حليه الاولياء ج ٣ ص ٢٠١

المعجم الكبير: ج ٣ ص ٤٧ ح ٢٦٤١

تفسير الثعلبى: ج ٨ ص ٣٧

مجمع البيان: ج ٩ ص ٤٣ نحوه

فضايل الصحابه، احمد بن حنبل، ج ٢، ص ٦٦٩، ح ١١٤١

هيشمى مجمع الزوائد ج ٩ ص ١٦٨

ابن الصباغ المالكى، النبوى قرطبى الجامع الاحكام القرآن ص ٢٢، ٢١ ج ١٦

العمده، ص ۴۷، ح ۳۵

الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور - لعبد الرحمن السيوطی - ج ۷ ص ۳۴۸ صحیح البخاری عن ابن عباس -
فی قولِ اللّهِ عز و جل : قَالَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ : قُرْبَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
صحیح البخاری : ج ۴ ص ۱۸۱۹ ح ۴۵۴۱

سنن الترمذی : ج ۵ ص ۳۷۷ ح ۳۲۵۱

السنن الكبرى للنسائی : ج ۶ ص ۴۵۳ ح ۱۱۴۷۴

در ۳ سند بالا می فرماید که قری، همان آل رسول الله هستند .

واقعا آل پیغمبر چه کسانی هستند آیا شامل زنان پیغمبر نیز می شود؟

جواب:خیر

دلیل اول اینکه عایشه رض فرمود: هیچ آیه ای در شان ما نازل نشده است

دلیل دوم این است که جواب این سوال را نیز صحیح مسلم داده است

فَقَالَ لَهُ حُصَيْنٌ: وَمَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ؟ يَا زَيْدُ أَلَيْسَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ؟ قَالَ: نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَكِنْ

أَهْلُ بَيْتِهِ مَنْ حُرِّمَ الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ، قَالَ: وَمَنْ هُمْ؟

قَالَ: هُمْ آلُ عَلِيٍّ وَآلُ عَقِيلٍ، وَآلُ جَعْفَرٍ، وَآلُ عَبَّاسٍ قَالَ: كُلُّهُ وُءَلَاءِ حُرِّمَ الصَّدَقَةَ؟ قَالَ: نَعَمْ .

حصین از زید پرسید: اهل بیت او چه کسانی هستند؟ مگر زنان او اهل بیت او نیستند؟

- گفت: زنان او اهل خانه او بودند اما اهل بیت رسول الله (ص) کسانی هستند که بعد از او صدقه برایشان

حرام است

- حصین گفت: آنان چه کسانی هستند؟

- گفت: آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس .

حصین گفت: آیا صدقه بر همه ایشان حرام است؟

- گفت: آری .

صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۷۳ ح ۲۴۰۸

فقلنا من أهل

بیته نساؤه قال لا وإيم الله إن المرأة تكون مع الرجل العصر من الدهر ثم يطلقها فترجع إلى أبيها وقومها

أهل بيته أصله وعصبته الذين حرموا الصدقة بعده

از زید بن ارقم پرسیدند: آیا زنان پیغمبر هم اهل بیت او هستند؟

گفت نه - به خدا قسم - زن تا مدتی از زمان با مرد است. بعد او را طلاق می دهد و به خانه پدرش رفته و

جزء اهل بیت پدر محسوب می شود

اهل بیت او اصل و جماعت او هستند که صدقه بر ایشان حرام است

سوال :

اگر زنان جز اهل بیتند چرا جزء ال‌ها بیان نکرده؟

اگر زنان جز اهل بیتند چرا صدقه بر آنها حرام نیست؟

عمر فاروق :

حدثنا موسى بن إسماعيل حدثنا أبو عوانة عن أبي بشر عن يوسف بن ماهك قال كان مروان على الحجاز استعمله معاوية فخطب فجعل يذكر يزيد بن معاوية لكي يبايع له بعد أبيه فقال له عبد الرحمن بن أبي بكر شيئا فقال خذوه فدخل بيت عائشة فلم يقدروا فقال مروان إن هذا الذي أنزل الله فيه «والذي قال لوالديه أف لكما أتعدانني» فقالت عائشة من وراء الحجاب ما أنزل الله فينا شيئا من القرآن إلا أن الله أنزل عذري .
برادر عزیز آنچه که شما از این روایت برداشت میکنید با آنچه که در قرآن و روایات دیگر وجود دارد

زمین تا آسمان فرقی است

حضرت عایشه در این روایت برای پاسخ به مروان در مقام رفع اتهام از خود و نزدیکانش

می باشد و میفرماید :

خداوند در مورد ما ایه ای نازل نکرده مگر اینکه عذر آن را نیز نازل فرموده ، یعنی ایشان اشاره

به قضیه افک میکنند که خداوند برای رفع اتهام از ایشان آیات افک را نازل

میکند ایاتی که فضائل بیشمار را برای حضرت عایشه اثبات خواهد کرد

سید عباس:

بسیار جالب است مثل اینکه شما پایتان را از مادرمان عایشه در بحث علوم تفسیری فراتر گذاشته اید و

این خود نشان از توهین و بی ادبی به فهم مادرمان عایشه هست

آیا تو با این همه بی ادبی از مادرمان بیشتر می فهمی؟

آیا اگر ایاتی دیگر نازل شده بود خود مادرمان نمی توانست تصریح داشته باشد؟

که جناب عالی برایمان تاویلات در قرآن انجام می دهید؟ مشخص است فهم شما بیشتر از مادرمان هست

آیا مادرمان نمی فهمید که چه چیزی در مناقب و مذمت او هست که می فرماید هیچ ایه ای در شان ما

نازل نشده به جز این ایه، بعد می گویی که آیات متعددی در شان مادرمان نازل شده، باید آفرین به شما

گفت به این همه افراط در دین، همین ادله ها کفایت می کنم بر بطلان به پاسخ های پوشالی شما

خود حضرت می گوید به جز این ایه، ایه دیگر در شان ما نازل نشده است تو چه می گویی؟ بعد می گویند

دیگران توهین می کنند تو که سرتاپا داری توهین می کنی، واقعا این تحلیل شما مضحکانه هست،

بهتر است دوباره بروی آن حدیث بخاری را بخوانی و تفکر و تدبر بیشتر کنی

عمر فاروق :

به قضیه افک میکنند که خداوند برای رفع اتهام از ایشان آیات افک را نازل میکند ایاتی که فضائل بیشمار را برای حضرت عایشه اثبات خواهد کرد اگر برداشت شما را از این روایت داشته باشیم در این صورت تکلیف آیات

بیشماری که در مورد زنان پیامبر از جمله حضرت عایشه وجود دارد چه میشود مثل : **وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ**

لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

الْأُولَىٰ وَ أَفْمَنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أُطِغْنَ اللَّهَ

وَ رَسُولَهُ

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ""

در این آیه به نظر شما به غیر از لفظ اهل بیت ضمائر جمع مونث به چه کسانی اشاره دارد؟

"" یا نِسَاءَ النَّبِيِّ: لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ: فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ "" (۳۲ احزاب)

"" النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتُهُمْ "" (احزاب ۶)

سید عباس:

هیچ کدام از این آیات بشارت نمی دهد بلکه نذیر می دهد و نذیر نمی تواند فضیلت باشد

اما در مورد آیه تطهیر، خود امهات المومنین ادعایی درباره این نکرده اند که آیه تطهیر در شان آنها نیست، بازم افراط کردید به نظرت خلاف عمل کردن به فرمان و دستور مادرانمان عقوبتش چیست؟ آیا این توهین نیست؟

هنوز هیچ روایت و حدیث صحیحی از شما نخوانده ایم مبنی بر اینکه این روایت در شان مادران باشد هرگز هم نخواهیم خواند چون ادعای شما کذایی هست و فقط به جهت ساخت فضیلت های جعلی نشر مطالب بی اساس می کنید

هر وقت توانستی با روایت اثبات کنید که این حدیث در شان مادران عایشه و بقیه همسران پیغمبر هست بعد بیا برای مناظره

عمر فاروق :

ایا قبول ندارید که این آیات در شان همسران پیامبر از جمله حضرت عایشه نازل شده اند؟

اگر قبول ندارید که دیگر با شما بحثی نداریم، ولی اگر قبول دارید در این صورت استدلال شما

به حدیث بخاری زیر سوال خواهد رفت !!

سید عباس:

در رد اکاذیب شما احادیث متواتر و صحیح سند بسیار آورده ام در نتیجه همسران پیامبر ادعا ننموده اند که اگر این چنین بود آنها مشتاقانه این حدیث را روایت می کردند پس شما کاسه داغ تر از اش نباش

عمر فاروق :

اما در مورد روایتی که از ابن عباس در مورد مصادیق ایه مودت آوردید ابن عباس قال: لَمَا نَزَلَتْ: «قُلْ لَّا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» قالوا: يا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ قَرَابَتِكَ هؤُلاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ؟ قال: عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ وَأَبْنَاهَا عَلَيْهِمُ السَّلَام. دوست عزیز بنده در مباحثاتم در سایتهای منحرفی (مثل اسک دین) ضعف این روایت را اثبات کرده ام ولی دوباره تکرار میکنم :

سید عباس:

جناب شما خیلی ادم هتاکی هستید اگر توانایی پاسخ و بحث علمی ندارید، بهتر است بیشتر از این خود را مضحکه نکنید

شما اگر ادعایی داری می توانی بروی در سایت اسک دین اثبات کنی بنده هم در سایت اسک دین از شما چیزی ندیدم

پس ادعای بی مورد و بی اساس نکن

نتیجه گیری :

۱- شما می خواهید بگویید عایشه رض نمی فهمیده و شما می فهمی که خلاف نص کلام او رای صادر می کنید

۲- ایه تطهیر به روایت امهات المومنین در شان هیچ کدام آنها نبوده

عمر فاروق :

را اثبات کرده ام ولی دوباره تکرار میکنم :

ابن حجر العسقلانی قال: [فيه] حسين الأشقر ضعيف ساقط (

الكافي الشاف- الصفحة أو الرقم: ٢٤٧)

الألبانی - المصدر :

السلسلة الضعيفة - الصفحة أو الرقم: ٤٩٧٤

خلاصة حكم المحدث: باطل

المحدث :

ابن تيمية - المصدر :

منهاج السنة - الصفحة أو الرقم 7/95 :

خلاصة حكم المحدث: كذب موضوع

الراوى: عبدالله بن عباسالمحدث :

الزيلعى - المصدر :

تخريج الكشاف - الصفحة أو الرقم 3/234 :

خلاصة حكم المحدث: [فيه] حسين الأشقر شيعى مختلف

الراوى: سعيد بن جبیرالمحدث :

ابن حجر العسقلانى - المصدر :

فتح البارى لابن حجر - الصفحة أو الرقم 8/427 :

خلاصة حكم المحدث: إسناده ضعيف

رتبته عند الذهبى : واه ، قال البخارى : فيه نظر

و ذكره العقيلي فى " الضعفاء

و ذكر ابن عدى له مناكير ، و قال فى بعضها : البلاء عندى من الأشقر .

و قال النسائى و الدارقطنى : ليس بالقوى .

و قال الأزدى : ضعيف ، سمعت أبا يعلى قال : سمعت أبا معمر الهذلى يقول : الأشقر كذاب (تهذيب التهذيب

ج ٢ ص ٣٣٦)

هذا الحديث ساقط الاسناد كما قال الحافظ ابن حجر (فتح البارى ٨/٥٦٤) .

وقال ابن كثير « هذا إسناد ضعيف فيه متهم لا يعرف عن شيعى محترق وهو حسين الأشقر » (الشورى ٢٣) .

فيه حسين الأشقر وقيس بن الربيع وكلاهما ضعيف .

وذكره السيوطى فى الدر المنثور (٧/٦) وقال: سنده ضعيف

و معلوم

أن الآية مكية بالاتفاق. (تفسير البغوى ١١٩/٤). وعلى تزوج فاطمة بعد غزوة

بدر. وولد الحسن فى الثانية من الهجرة. فكيف تنزل الآية بمودة من لم يخلق

بعد؟ أهكذا خاطب الله قريشا أن تود من لم يكن قد خلق بعد؟

وإذا

كانت هذه الآية نصا على الإمامة فلماذا لم يطالب الشيعة بأن تكون فاطمة

إمامة؟ ولماذا لم يطالبوا بأن يكون الأربعة: على وفاطمة والسبطان أئمة فى

عهد النبى

به اتفاق مفسرين اين ايه مكى ميباشد در حالى كه حضرت على و فاطمه در مدينه و بعد

از جنگ بدر باهم ازدواج كردند

چگونه ممكن است پيامبر ما را به مودت با كسانى كه هنوز به دنيا نيامده اند(حسين) امر كنند !!

از طرفی ال و لام در القربی ال و لام استغراق می باشد یعنی همه اقرباء حال شما چگونه تبعیض قائل میشوید؟؟

سید عباس:

این جا بحث بر سر رجال دو روای هست به نام حسین الاشقر و سعید بن جبیر دوست عزیز اول می روم بر سر رجال دومین راوی یعنی سعید بن جبیر :
برادر عزیز کاربر فقط خدا از شما با این همه ادعا و بزرگ نمایی واقعا بعید بود که اینگونه خود را رسوا کنید به هر حال خداوند قدرت تعمق و تدبر را از مخالفین و دشمنان علی ع ربوده است زیرا راوی سعید بن جبیر راوی می باشد که دو کتاب معتبر شما یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم که بعد از قرآن صحیح ترین کتب شما می باشند در مجموع ۲۲۷ روایت از او نقل کرده اند که صحیح خاری ۱۴۹ تا و صحیح مسلم ۷۸ روایت از او نقل نموده در نتیجه شما باید این دو کتاب را به زباله دان بندازید البته با این تفکر و اندیشه و گرنه باید این دیدگاه تان را تدوین و اصلاح نمایید و همین برهان و استدلال شما در واقع مهر ابطال بر کل استدلال های تان را می زند

اما راوی دوم حسین الاشقر: این راوی را بعضی از اهل سنت ضعیف اعلام نمود این درایه به شکلی هست که جمهور آنها بر این مسئله اجماع ندارند زیرا حاکم نیشابوری به نقل از امام ذهبی که امام محدثین هست از او روایت نقل نموده و فرموده که آن حدیث صحیح هست

- حدیثنا مکرم بن أحمد بن مکرم القاضی ، ثنا جعفر بن أبی عثمان الطیالسی ، ثنا یحیی بن معین ،

ثنا حسین الأشقر ،

ثنا جعفر بن زیاد الأحمر ، عن مخول ، عن منذر الثوری ، عن أم سلمة رضی الله عنها ، « أن النبی صلی الله علیه وسلم کان إذا غضب لم یجترئ أحد منا یکلمه غیر علی بن أبی طالب رضی الله عنه » « هذا حدیث صحیح الإسناد ، ولم یخرجاه » ج ۱۰ ص ۴۵۲ ح ۴۶۲۲

در کنار حاکم نیشابوری نیز امام احمد بن حنبل نیز از او روایت نقل نموده :

حَدَّثَنَا حُسَيْنُ الْأَشْقَرُ حَدَّثَنَا أَبُو كُدَيْنَةَ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي الضَّحَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ وَلَيْسَ فِي الْعَسْكَرِ مَاءٌ فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ فِي الْعَسْكَرِ مَاءٌ قَالَ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَأَتَيْتَنِي بِهِ قَالَ فَأَتَاهُ بِإِنَاءٍ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ مَاءٍ قَلِيلٍ قَالَ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصَابِعَهُ فِي فَمِ الْإِنَاءِ وَفَتَحَ أَصَابِعَهُ قَالَ فَأَنْفَجَرَتْ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِهِ عُيُونٌ وَأَمَرَ بِلَأْلَأٍ فَقَالَ نَادِ فِي النَّاسِ الْوُضُوءَ الْمُبَارَكِ ج ۵ ص ۱۸۷ ح ۲۱۵۵

و همچنین بزرگان علمای برجسته و طراز اول اهل سنت چون طبرانی در کتب های المعجم کبیر و صغیر و اوسط به کرار از این راوی استعمال نموده

همچنین طحاوی در مشکل الآثار، تفسیر ابن ابی حاتم، تفسیر طبری، ثعلبی در تفسیرش، الاصبهانی

و غیره نقل کردن اند و در صورتی که او را تضعیف نموده اند حال چه شده وقتی به این روایت می رسند آن را تضعیف می کنند؟ آیا این نشان به بغض و کینه به امیر المومنین نیست؟ کمی انصاف داشته باشید اما بعضی ها مانند ابن کثیر او را شیعه نامیده اند در این خصوص یک تلپات می زنیم به نگاه امام ذهبی و مشاهیر دیگر درباره روایان شیعه :

اگر قرار باشد بخاطر شیعه بودن یک راوی، حکم به عدم حجیت روایت بکنید، در این صورت باید بیشتر روایت پیامبر صلی الله علیه و اله را کنار بگذارید .

همچنانکه خود ذهبی در کتاب میزان الاعتدال می نویسد: فلو رد حدیث هؤلاء لذهب جملة من الآثار النبویة، وهذه مفسدة بینة. اگر روایات ایشان [شیعیان] را رد نماییم بسیاری از روایت های رسول خدا از بین می رود و این مفسده ای آشکار است.

میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵، ترجمه أبان بن تغلب

و خطیب بغدادی در الکفایة فی علم الدراية می نویسد: قال علی بن المدینی :

لو ترکت أهل البصرة لحال القدر، ولو ترکت أهل الکوفة لذلك الرأی، یعنی التشیع، خربت الکتب، اگر بصریان را به خاطر قدری بودن و کوفیان را به خاطر نظرشان (شیعه بودن) رها کنی، همه کتاب ها را نابود کرده ای .

بعد در توضیح سخن علی بن مدینی می گوید: قوله: خربت الکتب، یعنی لذهب الحدیث. کتاب ها را نابود کرده ای یعنی همه احادیث از بین می رود. الکفایة فی علم الروایة، ص ۱۵۷، رقم ۳۳۸ .

و نیز در جای دیگر می نویسد :

وسئل عن الفضل بن محمد الشعرانی، فقال: صدوق فی الروایة إلا أنه کان من الغالین فی التشیع، قيل له: فقد حدثت عنه فی الصحیح، فقال: لأن کتاب أستاذی ملآن من حدیث الشیعة یعنی مسلم بن الحجاج، از

او در مورد فضل بن محمد شعرانی سوال شد؛ پس گفت: در روایت راستگوست، اما اشکالی که دارد این است که در مورد تشیع زیاده روی می کند؛ به او گفتند: در صحیح از وی روایت کرده اید. گفت: کتاب

استادم پر از روایات شیعه است (یعنی کتاب صحیح مسلم)!!! . الکفایة فی علم الروایة، ص ۱۹۵، رقم ۳۴۹ . بنابراین صرف اینکه در سند یک روایتی، راوی شیعه وجود داشته باشد، موجب عدم حجیت

روایت نمی شود والا باید بیشتر روایات اهل سنت دچار چالش جدی می شود .

اما جالب اینجاست با توجه به این که این حدیث تواتر بسیار دارد و همه اسناد ان را هم ذکر کردیم جا دارید یک نظریه رجالی نیز از ابن تیمیه ذکر کنم که

بسیار خواندنیست

ابن تیمیه حرّانی مینویسد :

تعدد الطرق و کثرتها یقوی بعضها بعضا حتی قد یحصل العلم بها ولو کان الناقلون فجارا فساقا فکیف إذا کانوا علماء عدولا ولكن کثر فی حدیثهم الغلط .

زیادی و تعدد راههای نقل حدیث برخی برخی دیگر را تقویت می کند که خود زمینه علم به آن را فراهم می کند؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند؛ پس چگونه خواهد بود حال حدیثی که تمام راویان آن افراد عادل باشند که خطا و اشتباه هم در نقلشان فراوان باشد.

ابن تیمیه الحیرانی، أحمد عبد الحلیم أبو العباس (متوفای ۷۲۸ هـ)، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۱۸، ص ۲۶، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ناشر: مکتبه ابن تیمیه، الطبعة: الثانية.

در نتیجه روایت صد در صد صحیح هست و بهتر هست ادعای کذایی بیش از این نکنید اما نکته ای دیگر فرمودید که جمهور مفسیر اجماع دارند مبنی بر اینکه این روایت مکی هست و ازدواج حضرت در مدینه بوده و غیره و برای بطلان به این بحث نیز همین بس که بزرگان در تفاسیری چون مجمع البیان، ثعلبی، رازی و الکشاف شأنیت این ایه را در باب خمسه طیبه بیان کرده اند در ضمن سعی کن دیگه از سایت های عربی چیزی را کی پیست نکنی و برای ما بیاری چون در این صورت بیشتر خودت را ضایع کرده ای منظورم سایت

<http://www.ahlalhdeth.com/vb/showthread.php?t=107028> هست که از اون

جا کپی رایت نموده ای

البته بحث بنده در مورد رجال این راوی ادامه داشت که تا اینجا بسط دادم و منتظر اشکال تراشی مجدد او بودم که دیگر خودش برای خودش انا الله و انا الیه راجعون بخواند

عمر فاروق :

اما در مورد روایت جناب زید ابن ارقم قبلا هم جواب داده ام ولی باز برای شما تکرار میکنم در اینکه این روایت از حیث سند درست است شکی نیست ولی از حیث دلالت خیر چرا که :
اولا این روایت سخن خود پیامبر نیست بلکه نظر یک صحابی می باشد و ممکن است که ایشان هم نظر و اجتهاد شخصی خود را بیان کرده باشند و قبلا هم عرض کردم که اهل سنت قول یک صحابی را در صورتی حجت میدانند که نظر ایشان مخالف با قران، روایات و اجماع دیگر صحابه نباشد
وقتی خود قران واژه اهل بیت را در مورد زن حضرت ابراهیم به کار میبرد دیگر دلیلی ندارد اجتهاد جناب زید بن ارقم را حجت بدانیم (لا اجتهاد فی مقابل نص)

سید عباس:

همین چند خط نظریه پردازی مغرضانه شما خود برهانی بر بی برهانی تفکر شماسست چون :
۱- استناد به حدیث مرسوم بر صحت آن است و وقتی حدیثی صحیح شد دیگر نیازی به رد آن نیست و از انجایی که بغض علی ع و خاندانش در سینه شماسست بدنبال رد این روایت صحیح از مسلم هستید
۲- چه بسیار است روایاتی که در کتب اهل سنت هست و صحیح هست و شما به آن استناد می کنید

۳- ایه تطهیر در شان خمسه طیبه هست اما در صورتی که به قول شما ایه تطهیر درباره زنان صحبت می کند در کنار این موضوع، حدیثی که در صحیح مسلم از مادرمان عایشه وارد شده این است که این ایه در شان خمسه طیبه هست و اگر بنای تفسیری آن را بر مبانی و برهان فرکی و تحلیلی شما بگذاریم این است که عایشه در نقل این روایت خلاف قران اجتهاد نموده و اجتهاد خلاف قران نیز بدعت است و پیغمبر فرمود: و کل بدعة ضلالة و کل ضلالة فی النار صحیح رواه احمد ۳/۳۱۰ و ۳۷۱، ۴/۱۲۶ و ۱۲۷

هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در جهنم است .

پس بنابر این به نظر شما مادرمان در جهنم هست

۴- حدیثی که صحیح باشد به آن استناد می کنند و اگر این گفته شما درست باشد ما باید صحیحین را دور بیندازیم

۵- برای این دلیل خود هیچ گونه برهان و دلیلی ندارید

۶- شما هنوز معنای اجتهاد را نمی دانی که چیست و می گویند اجتهاد کرده

۷- خوب ما منتظر شما هستیم قول دیگر صحابی را بیارید و قول اجماع را بیدارید تا ما مقایسه کنیم

۸- نظر عایشه رض نیز خلاف قران بوده پس نمی توان به او هم اجتهاد کرد

۹- از قول مادرانمان اهل بیت همان خمسه طیبه هستند دیگر نیازی نیست اقوال دیگر بیاورید و در نتیجه با توجه به اقوال مختلف اثبات شد که اهل بیت چه کسانی هستند همان شما با زبان خودتان، جواب خودتان را دادید

۱۰- پس عایشه رض نیز خلاف قران اجتهاد نموده و بدعت گذاشته است

۱۱- یعنی هیچ کدام اینها را پیغمبر، زنان پیغمبر، محدثین و ناقلین حدیث نمی دانند تنها کاربر فقط خدا می داند و بعد از ۱۴۰۰ امده و می خواهد امت مسلمانان را هدایت کند آفرین بر تو این همه علم که در سینه شماست را از وحی

گرفته اید و یا جایه خاصی کسب علم می کنید؟

عمر فاروق :

ثانیا جناب زید بن ارقم این روایت را مقید کرده اند به شرط « إنَّ المرأةَ تكون مع الرجل العصر من الدهر ثمَّ یطلقها ، فترجع إلى أبیها وقومها» و همه میدانیم که هیچیک از همسران پیامبر در زمان حیات پیامبر از ایشان جدا نشده اند تا شامل این روایت شوند و بعد از فوت ایشان هم ازدواج با آنها حرام است و ایشان تا آخر عمر باید در عده پیامبر بمانند(دقت کنید)

سید عباس:

اكران بخشی دیگر از افاضات رسوب زده علم حدیث جناب فقط خدا

۱- اگر حدیث صحیح هست پس به ان استناد کن

۲- اگر خلاف قران است پس صحیح مسلم را اصلاح و تدوین کنید

۳- اگر حدیث صحیح هست و صحیح مسلم هم درست آورده پس به ان استناد کنید و سعی نکنید در زمره

تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ باشید

۴- اگر کلا مشکل دارد دیگر چرا قید و بند و شرطش را مطرح می کنید در کل حدیث و صحیح مسلم را رد

کنید

۵- تفسیر به رای های شخصی دیگر شما، عامل عدول و خروج شما از این واقعیت انکار ناپذیر شد زیرا زید

می گوید اهل بیت واقعی ان کسانی هستند که از خون و رگ و ریشه هستند و نه کسانی که می آیند و

ممکن هست بروند مثل اگر زن از مرد طلاق بگیرد دیگر محرم او نیست دیگر اهل بیت او نیست اما نتیجه

حاصل یعنی فرزند او چه دختر و چه پسرش برای همیشه اهل بیت او هست امیدوارم حالا شما دقت کنید

نوشته توسط عمر فاروق :

ثالثا علاوه بر این حدیث دیگری در صحیح مسلم موجود است که زید بن ارقم اهل بیت بودن ازواج

مطهرات را تایید کرده است، در صحیح مسلم آمده است، یزید بن حبان می گوید: من و حصین بن مبره

و عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم رفتیم و با او چند لحظه ای نشستیم، سپس به او گفتیم ای زید برای

ما آنچه که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ای چیزی بیان بفرما زید بن ارقم حدیثی

طولانی در مورد اهل بیت بیان کرد تا اینکه به اینجا رسید: «أذكرکم الله فی اهل بیده .

فقال له حصین: و من اهل بیده یا زید؟ ألیس نسائه من اهل بیده؟ قال: نسائه من اهل بیده و لکن

اهل بیده من حرم الصدقة بعده، قال و من هم؟ قال هم آل علی و آل عقیل و آل جعفر. این حدیث ضمن

اینکه اهل بیت بودن ازواج مطهرات را ثابت می کند، به این نکته نیز اشاره دارد

که اهل بیت دو گروه هستند؛ آنهایی که بنا بر عرف و لغت از اهل بیت به شمار میروند که

ازواج مطهرات هستند و احترام آنها بر امت لازم و ضروری است و گروه دوم اصل و عصبه پیامبر هستند

که صدقه برای آنها حرام است، که همان خمسه طیبه هستند

سید عباس:

در نهایت نیز خودت را وارد بن بست کردی که تمامی اساس های، بی اسات را بر هم می زنی زیرا :

۱- شما در قسمت های قبل این حدیث را رد کردی و الان نمی توانی تایید کنی

۲- چون این حدیث را رد کردی در نتیجه صحیح مسلم را هم رد کردی

۳- چون هر دو را رد کردی به هیچ کدام نمی توانی استناد کنی پس بهتر است بیشتر در منجلاب خود دست و پا نزنی

۴- در نهایت هم خودت گفتی اهل بیت همان کسانی هستند که در ایه مودت و تطهیر هستند لذا برای اكمال بحث خود از الوسی که از مشاهیر و مفسیرین اهل سنت هست تفسیری را می نویسم که می تواند بسیار شما را روشن کند

إنی تارک فیکم خلیفتین وفی روایة ثقلین کتاب الله حبل ممدود ما بین السماء والأرض وعترتی أهل بیتی وإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض " یقتضی أن النساء المطهرات غیر داخلات فی أهل البیت الذین هم أحد الثقلین

روح المعانی- ج ۱۶ ص ۱۱۶ نرم افزار مکتبه الشامله

آلوسی از مفسرین بنام و مشاهیر وها بیت که سلف العقیده هم هست می گوید: زنان پیغمبر داخل نیستند در اهل بیت، کدام اهل بیت؟ ان اهل بیتی که یکی از ثقلین هست در واقع منظور از اهل بیت بنا بر فرموده خودتان همان خمسه طیبه هستند همان کسانی که ایه تطهیر، مباحله، ثقلین و ۲۳ شوری در شان آنها هست همان کسانی که هم سنگ و هم کف و هم طراز قران هستند